

مدیریت بحران زینب سلام‌الله علیها پس از واقعه کربلا

نویسنده: حمید خسروی^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال سیزدهم، شماره ۳۶، بهار ۱۳۹۵

چکیده

یکی از زنان بسیار بافضیلتی که در تاریخ اهل بیت بعد از حضرت زهرا سلام‌الله علیها به عنوان تندیس زنده فضایل شناخته شده است، دختر حضرت علی علیه السلام زینب کبری علیها سلام است. وی از جمله زنان نادری است که بیشترین بخش از فروغ جاودان نور امامت را دریافت نمود و توانست خود را در کمالات و صفات حمیده همانند مادرش زهرا اطهر علیها سلام بسازد. اشتها ایشان به نقش آفرینی در کربلا و تأثیر حضورش در مغلوب کردن آثار جنگ، مدیریت بحران بی نظیری که ایشان در واقعه کربلا از خود به ثبت و ظهور رسانید، جمیع صفات حمیده وی را تحت الشعاع قرار داده است. خطبه های حضرت زینب سلام‌الله علیها، سلیس، شیوا و در اوج فصاحت و بلاغت ایراد شده و بیانگر کمال سخنوری ایشان و نشان دهنده تدبیر و مدیریت تمام و کمال ایشان در واقعه کربلا می باشد. بازنگری و بازشناسی زندگانی سراسر حادثه ای حضرت زینب سلام‌الله علیها به خصوص رفتار عالمانه و مدبرانه ای ایشان در حادثه ای کربلا و پس از آن در جریان اسارت، نمونه ای کاملی از مدیریت بحران است. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و مطالعه مطالب مرتبط در سایتهای مختلف به جمع آوری اطلاعات پرداخته و به بررسی مدیریت بحران حضرت زینب (سلام‌الله علیها)، جایگاه و نقش ایشان پس از واقعه کربلا می پردازد.

واژگان کلیدی:

مدیریت ، مدیریت بحران ، حضرت زینب سلام‌الله علیها ، واقعه کربلا

۱. دانشجوی دوره دکتری مدیریت راهبردی نظامی - دانشگاه عالی دفاع ملی mahdiyar95@yahoo.com

مقدمه:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷)

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد. حضرت زینب کبری علیه السلام شخصیت شایسته‌ای بود که درس ادب را در مکتب امامت آموخته بود و سیره و سخن پدر و مادر خود را از اعماق وجود پذیرفته بود. در گفتار و رفتار صمیمی، مهربان، صادق و مودب بود به گونه‌ای که زنان بسیاری در نخستین برخورد شیفته شیوه و مجذوب اخلاق روح پرور او می‌شدند. در بیان جایگاه رفیع علمی ایشان، امام سجاد علیه السلام پس از خطبه عمّه بزرگوارش در شهر کوفه می‌فرماید: «...أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهِّمَةٍ. تو بحمدالله، عالم آموزگار ندیده و خردمند نیاموخته هستی. تکیه بر این کلام معصوم، بی‌تردید، می‌توان گفت: حضرت زینب سلام الله علیها متعلّم به علوم اکتسابی نبوده، بلکه بدون واسطه، علم را دریافت کرده است و این عجیب نیست؛ چرا که این خاندان خزان علم و معدن حکمت‌اند (زیارت جامعه کبیره). در جنبه مقام علمی اش علاوه بر توانایی برای ایراد خطبه‌ها نکته ظریف و اساسی وجود دارد و آن تصمیم‌گیری‌ها و موضع‌گیری‌های به جادر مناسبت‌های لازم و مدیریت بحران ایشان است؛ که خوب می‌دانست کجا باید نرم سخن گفت، در کجا باید برآشت و حماسه آفرید و چه وقت باید عقل و منطق را به کار گرفت. زینب سلام الله علیها از مکتب مادرش درس صبر و استقامت، مبارزه و ظلم‌ستیزی، حرکت و قیام، دفاع از حریم اسلام، دفاع از اصل اصیل امامت و ولایت، حمایت از مکتب و شجاعت و شهامت، ایثار و فداکاری و فصاحت و بلاغت آموخت. او از مادر رنج‌دیده خود آموخت که آنجا که حیات اسلام و مسلمانی در خطر است باید همه هستی را فدا کرد. بررسی رفتار، گفتار و اعمال شخصیت‌ها در طول تاریخ به‌خصوص آنان که زیر سایه‌ی دین و با اتصال به وحی و خاندان رسالت و امامت به اوج قله‌های رفیع انسانیت دست یافته‌اند، در تمام زمان‌ها الگو و اسوه و درس آموز است. (علامه مجلسی، ۱۳۸۵). مدیریت بحران مفهومی امروزی است؛ اما بازنگری و بازشناسی زندگانی سراسر حادثه‌ی حضرت زینب (س) به‌خصوص رفتار عالمانه و مدبرانه‌ی او در واقعه‌ی کربلا و پس از آن در جریان اسارت نمونه‌ی کاملی از مدیریت بحران است. این رفتار می‌بایست به‌طور شایسته و کاملاً دقیق بررسی شود تا راه‌گشای همه‌ی انسان‌هایی باشد که می‌خواهند در حوادث، ابتلائات و به تعبیر امروز بحران‌ها، محکم و راسخ، استوار و پیروز باشند.

هدف این پژوهش، تبیین تاثیر شگرف حضور حضرت زینب سلاما لیهابر کاروان اسرا

و نقش ایشان در مدیریت وقایع پس از عاشورا می باشد، لذا با بررسی ویژگیهای شخصیتی آن حضرت، شاخص های مدیریت بحران ایشان را احصاء نموده آثار و برکات این مدیریت را بر می شماریم، بر آنیم تا مفهوم واژه‌ی مدیریت بحران را بر رفتار و اعمال حضرت زینب سلام الله علیها منطبق نماییم.

حضرت زینب (سلام الله علیها)

حضرت زینب کبری علیها السلام در روز پنجم جمادی الاول سال پنجم ی ششم هجری مری در شهر مدینه منوره متولد گردیده (البته ولادت ایشان را با اختلاف نوشته اند، بعضی پنجم جمادی الاول سال ششم هجرت در مدینه و بعضی دیگر در اوایل شعبان سال ششم هجرت دانسته اند) و جهان را به قدوم خویش مزین فرمودند. کنیه هایش امّ کلثوم، امّ عبدالله و ام الحسن است. برای کنیه های مخصوصی همچون امّ المصائب، امّ الرزایا، امّ النوائب ذکر کرده اند. اشمیان در تاریخ، او را «عقیله»ی خود معرفی می کنند و این لقب منحصرأً به حضرت زینب سلام الله علیها تعلق دارد. نامگذاری آن حضرت را به جد بزرگوارش پیامبر اکرم (ص) واگذار نمودند و آن حضرت او را زینب نامیدند که به معنی درخت خوش منظر یا مرکب از زین و آب است به معنی زینت پدر. (جبل عاملی، ۱۴۲۱؛ ۳۲۷) نام مبارکش به و یله جبرئیل بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرضه شد و پیامبر فرمود: وصیت می کنم حاضران و غایبان را که حرمت این دختر را پاس دارید؛ همانا وی به خدیجه کبری مانند است. با نگاهی به زندگی آن بانوی مکرم در می یابیم که عقیله‌ی بنی اشم (سلام الله علیها) در طول زندگی سراسر پرفراز و نشیب خود با بحران های فراوانی مواجه بوده است که به اختصار به آنها اشاره می کنیم:

آن حضرت تازه به سن پنج یا شش سالگی رسیده بود که جد بزرگوارش رسول اکرم (ص) و پس از اندک فاصله‌ای، مادر ارجمند و گرانمایه اش فاطمه‌ی زهرا (س) را از دست داد. او شاهد مظلومیت های پایان غم بار زندگی جدش رسول خدا (ص) و سپس مظلومیت های مادر شهیدش، فاطمه زهرا (س) بود و دید که چگونه پهلویش را شکستند و در خانه اش را آتش زدند (اثبات الوصیه، ج ۶). حضرت زهرا سلام الله علیها روزهای پس از مرگ پدر را زیر بار حزن و اندوه به سر می برد و زینب سلام الله علیه کنار بستر بیماری مادر، شریک گریه و اندوه او بود. (صادق کوهستانی، ۱۳۸۵: ۲۶).

چه دردناک است وقتی زینب کبری می شنید که پست فطرتان نامسلمان، بر بالای منبر رسول خدا (ص) به علی بن ابیطالب (ع) ناسزا می گویند، همان علی بزرگ و با عظمتی که نزدیک ترین مردم به رسول خدا بود و فداکاری هایش در راه اسلام، زبان زد خاص و عام و کتاب فضایلش را حدی متصور نبود. زینب (س) در تمامی دوران ده ساله‌ی امامت امام مجتبی

علیه السلام شاهد مصیبت‌های بزرگ ری بود و هر چه زمان می‌گذشت، مصایب، دردناک‌تر می‌شد تا آن که در سال پنجاهم هجری، امام حسن علیه السلام به دست همسرش «جعه» به شهادت رسید. او می‌دید که حسین علیه السلام چون شیری خشمگین که در قفس گرفتار آمده باشد، از بدی اوضاع ناراحت است و می‌خروشد، ولی به خاطر حرمت صلح‌نامه‌ای که امام حسن (ع) امضا کرده بود، سکوت اختیار کرده و منتظر مرگ معاویه است تا قیام کند، قیامی به ژرفای تمام نهضت‌های جهان و عظمت همه‌ی قیام‌های تاریخ (اولیایی، ۱۳۸۸: ۱۰-۹).

ویژگی‌های شخصیتی حضرت زینب سلام الله علیها

ایمان راسخ

بی‌تردید هر کسی نظر کوتاهی به برخورد زینب سلام الله علیها و قضیه عاشورا نماید، در مقابل ایمان این بانوی بزرگ سر تعظیم فرو می‌آورد آن قدر ایمان و اعتقاد به خدا که همه مصائب را برای او در را خدا قابل تحمل کرده است و همه اینها را زیبا می‌بیند بطوریکه وقتی در کوفه ابن زیاد از او سوال می‌کند: کار خداوند با برادرت را چگونه دیدی؟ می‌فرماید: چیزی جز زیبایی ندیدم. (محلاتی، ۱۳۶۸: ۵۴)

عبادت

آنچه عامل تقویت ایمان به خداست، عبادت و پرستش است. نوشته‌اند هیچگاه تهجد و نماز شب این بانوی بزرگ ترک نشد. (همان) از امام سجاد (ع) نقل شده است: عمه ام زینب در مسیر اسارت از کوفه به شام همه فرائض و نوافل خود را بجای می‌آورد. (مهاجرانی، ۱۳۷۰: ۲۸۸)

صبر و بردباری

صبر و بردباری در پیشگاه ایشان شرمنده است. در تاریخ بشر زنی به صبر و بردباری زینب (س) نیامده است. اگر چنین صبری در ایشان نبود، خون ریخته شده امام حسین علیه السلام و یارانش به ثمر نمی‌رسید (المقرم، عبدالرزاق، ۱۳۹۴: ۴۰۶).

داشتن علم کامل

تسلط علمی حضرت زینب سلام الله علیه از خطبه‌های خودش در اسارت مشخص می‌شود و ادبای بزرگ عرب از جمله احمد بن ابی طاهر آن را نقل کرده‌اند. (همان) ایشان در مکتب رسول خدا صلوات الله علیه و حضرت علی علیه السلام و مادر بزرگوارشان فاطمه زهرا سلام الله علیها علم آموختند.

فصاحت و بلاغت

خطبه آن حضرت در بازار کوفه، سخنان آن حضرت در مجلس ابن زیاد، فرمایشات وی در مجلس یزید، مظهر علم و فصاحت و بلاغت است. (محدث قمی، ۱۴۴۰؛ ۳۹۶)

بصیرت و تیزبینی

ایمان و استقامت، هوش و تیزبینی و بصیرت ایشان کاملاً مشخص و روشن است. در دیدگاه حضرت زینب سلام الله علیها در مفهوم پیروزی و شکست باید دو عنصر حق و باطل در طول زمان را استخدام کرد و به حساب آورد تا بتوانیم تشخیص دهیم پیروز کیست و مغلوب چه کسی است. (همان، ص ۴۴۴)

ولایت پذیری، عالم غیر معلمه، تعب و تحجد، شجاعت و شهامت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، صبر و بصیرت، ایشان با استقامت و نشان دادن صبر بی بدیل در برابر دشمن در مسیری که امام حسین (علیه السلام) آغاز کرد، جریان کربلا را به یک مکتب جاوید و اثر گذار تبدیل کرد.

خودسازی در پرتو تجاربی سخت

زینب کبرا (سلام الله علیها) از کودکی در میدان زهد و پارسایی با انواع رنج‌ها و دردها خو گرفت تا جایی که مصیبت را نعمت و بلا را رحمتی از پروردگار می‌دانست و آن گونه خود را در برابر حوادث دنیا با زهد و پارسایی بیمه کرد که کوهها متلاشی و زمین‌ها از هم می‌شکافت، در اراده محکم او خللی وارد نمی‌شد.

آموزش و پرورش اسلامی

آنگاه که امام نخستین شیعیان پس از درگیری با فتنه ناکثین، مصلحت را در آن دید که به کوفه مهاجرت کند، حضرت زینب همراه پدر، برادران، شوهر و فرزندان خود راهی کوفه شد. خصیت والای زینب کبرا سلام الله علیها در پشت پرده برای کوفیان پنهان نماند، بلکه به مرور زمان متوجه مقام علمی و یاسی او شدند و از امام درخواست کردند جهت ارشاد بانوان از وجود آن حضرت بهره‌مند شوند. مولای شیعیان با این پیشنهاد موافقت کرد. از آن پس خانه زینب سلام الله علیها نه تنها پناهگاه بیچارگان و افراد مستضعف جامعه بود، بلکه مکتب تعلیم و تربیت نیز به حساب می‌آمد. عالیت‌های اجتماعی و مذهبی ایشان به مقتضای زمان در بیانگر مسئولیت سنگین زن مسلمان در جامعه اسلامی است.

بحران و مدیریت بحران:

می‌توان «بحران» را از دیدگاه مدیریتی چنین تعریف کرد که: «وقوع حوادث ناگهانی پیش بینی نشده و یا غیرقابل پیش بینی و یا وقوع پیش بینی شده ولی غیر قابل پیشگیری که باعث به مخاطره افتادن هستی کل جامعه شود، بدین سبب تصمیم و اقدام عاجل مدیران را برای نجات جامعه از سقوط، نیاز دارد.» (رحمانی، ۱۳۹۲).

در طرح جامع امداد و نجات کشور، بحران اینگونه تعریف شده است: "حوادثی که در

اثر رخدادهای و عملکردهای طبیعی و انسانی به طور ناگهانی به وجود می آید و سختی را به یک مجموعه یا جامعه انسانی تحمیل می کند و بر طرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری، فوری و فوق العاده دارد. "یک بحران ضمن آن که حامل جنبه های مخرب و منفی است از جهات دیگری میتواند منشأ اثرات سازندهای باشد و خلاقیت و نوآوری و تلاشها و چالشهای جدید را ایجاد کند. (رحمانی، ص ۴۱)

بحران را مترادف با مفاهیمی نظیر؛ بلایا، آسیب پذیری، خطر احتمالی، خطر طبیعی، حوادث و سوانح و خطر ساخته دست بشر آورده اند. از نظر مورخان، بحران فقط تغییری بسیار سریع در محدوده ی اندکی از زمان است که بر جنبه های بسیار اساسی نهادهای نگرشهای اخلاقی، انواع اندیشه و احساس، ساختارهای قدرت و تشکیلات اقتصادی اثر می گذارد (گرهارد مازور، ۱۳۶۷)

لاری اسمیت^۱، رئیس موسسه مدیریت بحران در ایالت کنتاکی در تعریف بحران بیان داشته است: «بحران عبارتست از اختلال عمده در امور تجاری یک سازمان که باعث شود رسانه های خبری آن را بطور گسترده پوشش دهند. برآیند موشکافی افکار عمومی، فعالیت روزمره سازمان را تحت تاثیر قرار داده و نیز تاثیرات سیاسی، حکومتی، مالی و حقوقی را بر فعالیتهای آن سازمان بجای می گذارد». (حسینی، ۱۳۸۵)

در مبحث مدیریت بحران، تصمیم گیری های مهم و عمده، همواره از ضروریات مدیریت بحران در لحظات اول است. تصمیماتی که نه نهاد ابعاد وسیعی تأثیر می گذارند و در حقیقت، آینده و گستره ی بحران را می سازند، بلکه همه در مورد آن قضاوت می کنند. بنابراین، در مواجهه با بحران، اولین گام رهبران اتخاذ تصمیم های صحیح منوط به دسته بندی حقایق و واقعیت ها است. مدیریت بحران را به عنوان "پیش بینی، تدارک، آمادگی قبلی برای رویارویی و رفع موانع و رویدادهایی که حیات و بقاء سازمان و جامعه را مورد تهدید جدی قرار می دهد" تعریف می نمایند. (سعادت، ۱۳۶۹: ۲۲)

مدیریت بحران یعنی؛ برنامه ریزی، سازماندهی و مجموعه اقدامات درباره یک حادثه غیر منتظره با هدف جلوگیری یا کاهش نتایج و پیامدهای نامطلوب آن. (جیری^۲، ۲۰۰۱: ۱۱۲)

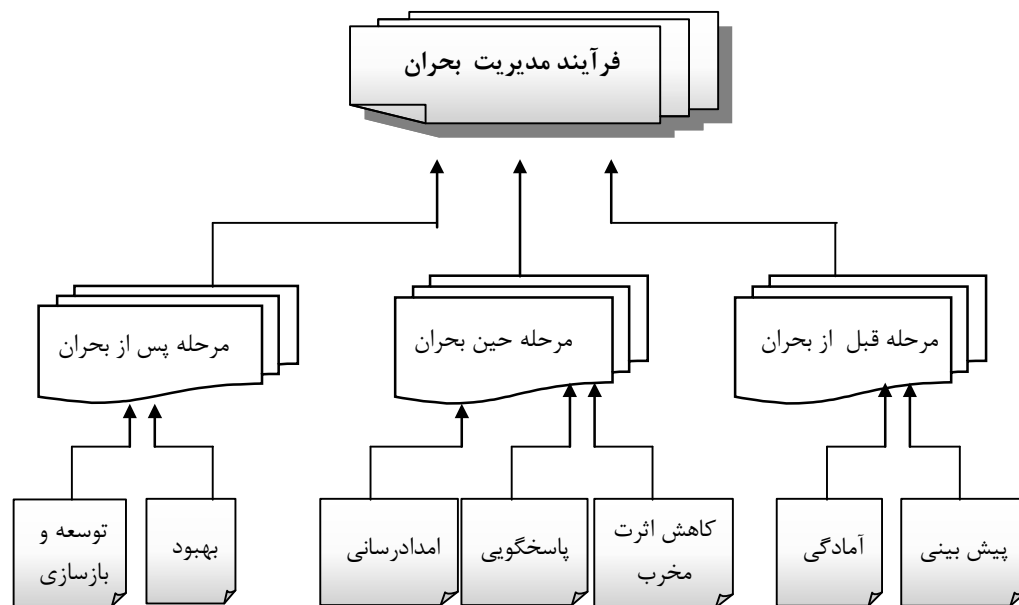
فرایند مدیریت بحران به سه مرحله تقسیم بندی می شود:

۱. مرحله قبل از وقوع بحران: مرحله پیش بینی و آمادگی است. آمادگی: مجموعه اقداماتی است که توانایی سازمان را در انجام مراحل مختلف مدیریت بحران افزایش می دهد. این مرحله شامل جمع آوری اطلاعات، پژوهش، برنامه ریزی، ایجاد ساختارهای مدیریتی، آموزش، تامین منابع، تمرین و مانور است.

1. larry smith
2. geary

۲. مرحله حین بحران: مرحله کاهش اثرات مخرب، پاسخگویی و مقابله و امداد رسانی است. مقابله: ارائه خدمات اضطراری به دنبال وقوع بحران است که با هدف نجات جان افراد، کاهش خسارات مالی و جلوگیری از گسترش خسارات انجام می شود. مقابله شامل امداد و نجات، بهداشت، درمان، امداد انسانی، ترابری، مهار آتش، کنترل مواد خطرناک، اطلاع رسانی و هشدار است.

۳. مرحله پس از بحران: مرحله بهبود، توسعه و بازسازی است. بازسازی: بازگرداندن شرایط یک منطقه آسیب دیده پس از بحران به شرایط عادی با در نظر گرفتن ویژگیهای توسعه پایدار و کلیه ضوابط ایمنی است.



اقدامات حضرت زینب سلام الله علیها پس از واقعه عاشورا

برون رفت از بحران، مدیری بسیار کار آزموده می طلبد تا از شرایط بحرانی به سلامت عبور کند به خصوص اگر مجموعه هایی دچار بحران جمعی شوند که حامل پیام بزرگی برای تمام انسان ها باشند مانند پیامبران الهی که وظیفه ای بسیار خطیر از طرف خداوند عهده دار بودند. در دل هر مشکلی فرصتهای بزرگتر و عالی تری نهفته است که انسانهای بزرگ قادرند مشکلات را به فرصتهای بزرگ تبدیل نمایند. (هلن کلر؛ ۱۱۲)

حضرت زینب سه کار مهم را بخوبی انجام داد:

- ۱- حمایت از مقام رهبری
- ۲- نگهداری از بچه های شهیدان
- ۳- پاسداری از خون شهیدان، و ادامه راه آنها و رساندن پیام آنها به امت. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷؛ ۱۲۷)

پیام‌آوران کربلا حامل پیام آزادی، پیام عزت و آزادی، شهادت با عزت در مقابل زندگی ذلت‌بار و پیام پیروزی خون بر شمشیر برای انسان بودند. در بحرانی‌ترین لحظه‌ها این پیام‌ها به بهترین و رساترین فریادها در گوش اهل تاریخ طنین‌انداز شد و صدای «کیست مرا یاری کند؟» را آزادگان و شرافتمندان تاریخ انسانیت لبیک گفته و خواهند گفت. بدین سبب هرگز هیچ زور و سلطه‌ای را از مستکبران پذیرا نخواهند شد! امام سجاد(ع) و عمه‌اش زینب(س) و اهل بیت امام حسین(ع) در بحران بی‌نظیر تاریخ بشریت این پیام‌ها را به گوش انسانیت رسانده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که واقعه‌ی عظیم کربلا عظیم‌ترین بحران بشری در عالم بوده است و از رهبری و مدیریت مدیرانی چون سیدالشهدا(ع)، امام سجاد(ع) و عقیله‌ی بنی‌هاشم زینب کبری(س) و... می‌توان الگویی جاودان برای برخورد با بحران‌ها در هر شرایطی استفاده و مدل‌سازی کرد. (شیرکوند؛ ۱۳۸۹)

در فرایند مدیریت بحران به سه مرحله اشاره کردیم؛ که برای مدیریت یک بحران نیاز به اقداماتی قبل، حین و بعد از وقوع بحران می‌باشد، این پژوهش به مجموعه اقداماتی که پس از واقعه کربلا از سوی عقیله بنی‌هاشم برای مدیریت این واقعه صورت پذیرفت می‌پردازد. سخنوری زینب(س) در مجلس ابن زیاد:

ابن زیاد رو به زینب کرده و گفت: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرده و کشت، و در آنچه شما آورده بودید دروغتان را آشکار ساخت. زینب(س) وقتی دید که فرزند زیاد با این گفتار می‌خواهد حوادث کربلا را تحریر کند، شهادت حسین علیه‌السلام و پیروزی موقت و سطحی خویش را به حساب اراده و خواست خدا بگذارد و از این راه بر جنایت‌هایش سرپوش نهد و امر را بر اجتماع مشتبه سازد و آن را (صنع الله) بخواند، او می‌خواست از این راه پرونده شهادت حسین و یاران آزاده‌ی او را برای همیشه ببندد و کار را یکباره خاتمه ببخشد و طبیعی است که در آن شرایط حساس دیگر سکوت برای زینب جایز نبود. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۸) در پاسخ، زینب سلام الله علیها فرمودند: سپاس خداوندی را که ما را به وسیله‌ی پیغمبرش (ص) گرمی داشت، و ما را به خوبی از پلیدی پاکیزه گردانید، جز این نیست که شخص فاسق رسوا شود، و انسان تبه‌کار دروغ گوید و او ما نیستیم و الحمد لله.

ابن زیاد گفت: کردار خدا را نسبت به خاندانت چگونه دیدی؟ زینب فرمود: خداوند بر ایشان شهادت را مقرر فرموده بود و آنان به خوابگاههای خود رفتند. و به زودی خداوند تورا با ایشان گرد آورد و در پیشگاه او با تو محاجّه خواهند کرد و از او داوری خواهند.

آنگاه فرمود: به جان خودم! بزرگ ما را کشتی و خاندان مرا هلاک کردی، و شاخه‌های خانوادگی مرا بریدی، و ریشه‌ی ما را از بن کندی، اگر این کار دل‌تورا شفا بخشد پس شفا یافتی. ابن زیاد گفت: این زنی است که سخن به سجع و قافیه می‌گوید و به جان خودم! همانا

پدرش نیز به سجع میگفت و شاعر بود. زینب فرمود: زن را با سجع وقافیه سخن گفتن چه کار؟ همانا مرا با سجع سخن گفتن کاری نیست؛ ولی آنچه را که گفتم از سینهام تراوش کرد. (شیخ مفید: ۱۷۳-۱۷۲)

در روایت ابن اعثم کوفی و سیدبن طاووس آمده است که چون ابن زیاد از حضرت زینب (س) پرسید: رفتار خداوند را با برادر و اهل بیت خویش چگونه دیدی؟ او پاسخ داد: جز زیبایی چیزی ندیدم. خداوند کشته شدن را برای این گروه مقدر ساخت؛ و آنان به آرامگاههای خویش رفتند. به زودی خداوند تو را با آنان در یک جا جمع خواهد کرد و دربارهی شما داوری خواهد نمود. بنگر تا در آن روز پیروزی از آن کیست؟ ای پسر مرجانه مادر به عزایت بنشیند. (طبری: ۱۰۷)

استاد باقر شریف قرشی گوید: در این خطبه نوهی رسول خدا (ص) جبروت سرکش را نابود کرد و شکست و ننگ را بر او وارد ساخت؛ و به او فهماند که دعوتگران حق در مقابل سرکشان و ظالمان سر فرود نمیآورند. (پورامینی: ۱۵۶)

خطبه حضرت زینب در برابر یزید در شام:

نگامی که اسیران داغ دار کربلا را وارد مجلس یزید کردند، یزید در حالی که شعر می خواند با چوب دستی خود بر لب و دندان مبارک امام حسین علیه السلام می زد و جسارت می کرد. اینجا بود که د علی همانند شیر خشمگین از جای برخاست و با شهامت تمام در برابر او ایستاد و با صدای رسا و مؤثر خطبه ای کوبنده و آتشین این چنین آغاز کرد:

ستایش مخصوص خداست. درود خداوند بر پیامبران. سخن خداوند راست است که می فرماید: سرانجام بدکاران، این است که آیات خدا را تکذیب و مورد استهزاء قرار می دهند. ای یزید، با تمام قوای خود دیار را بر ما تنگ کردی و همچون اسیران ما را به اینجا کشاندی! آیا گمان می کنی که با این رفتار زشت خود، از قدر و منزلت ما در پیشگاه خدا کاسته می شود و تو نزد او مقامی پیدا می کنی، آیا سخن خداوند را از یاد برده ای که می فرماید: مردم کافر گمان نکنند که مهلتی که ما به آنها می دهیم، برای آنها بهتر است، آنها را مهلت می دهیم که بر گناه خود بیفزایند و سرانجام به کیفری سخت گرفتار شوند.

تو کسی هستی که به جنایات خود افتخار می کنی و بر دندان های حسین (ع) چوب می زنی، اکنون به یاد نیکان و رفتگان به گور رفته خود افتاده و آنها را صدا می زنی. گمان می کنی که آنها صدای تو را می شنوند و در شادی های نگین تو شرکت می جویند. سرانجام به آنها ملحق خواهی شد، و آرزو خواهی کرد که کاش شل و لال شده بودی تا این کارها را نمی کردی و این حرف ها را نمی زدی، بار خدایا حق ما را بگیر و ستمکاران به کیفر برسان و هر کسی که خون ما را ریخت و مردان ما را کشت، غضب کن، ای یزید به خدا سوگند خود را به

مهلکه و بدبختی افکندی. سرانجام بر پیامبر خدا وارد می‌شوی در حالی که خون ذریه‌اش را ریخته و به آنها ستم کرده‌ای. خداوند همه‌ی شهیدان را گرد می‌آورد و حق آنها را می‌گیرد، چنان که می‌فرماید: گمان نکن که کشتگان را خدامی‌میراند، آنها زنده هستند و از روزی خدا بهره‌مند. (بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۴-۵۲)

این خطبه جانسوز توسط یک بانوی اسیر ایراد گردید، بانویی که در حال اسارت است و بازوهای او را به ریسمان بسته‌اند، زنی که برادر زادگان خود را در رنج و شکنجه در برابر خود می‌بیند و سر بریده‌ی برادر معصومش در میان طشت در برابر چشمان او قرار دارد. این خطبه در مجلسی ایراد گردید که فرزند معاویه، کسی که حکومت اسلامی را در دست داشت، شخصا در آنجا حاضر بود. مجلسی که شخصیت‌ها و بزرگان لشکری و کشوری را در دست داشت و سهمگینی قدرت شوم یزید به خوبی احساس می‌شد. با این حال دختر امیرالمومنین یزید را تحقیر و توبیخ نمود. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۲۰)

بهت انگیز است که یک زن در حال اسارت با بزرگترین مرجع قدرت کشور این گونه سخن بگوید! و بعد از آن همه تحقیر، به او خطاب می‌کند که: این از جفای روزگار است بر من، که مرا در شرایطی قرار داد تا با تو سخن بگویم. آری زینب (س) در آن مجلس، یزید را بر جنایتها و بیدادگری‌های محکوم ساخت. ننگ و رسوایی او را آشکار نمود و از این راه و فقه بزرگ و مقدسی را که در آن فرصت حساس بر عهده‌ی وی بود به خوبی انجام داد و نشان داد که فاجعه دردناک شهادت و اسارت، کوچکترین ضربه‌ی روحی و انسانی بر دودمان پاک امیرالمومنین وارد نساخته است. (همان: ۲۲۱).

هر چه از حضور اسرا در مجلس یزید می‌گذشت و هر اتفاق جدیدی که رخ می‌داد بیش تر از پیش، باعث ریختن آبروی یزید و اثبات حقانیت سید شهدا علیه السلام می‌شد. یزید هرگز تصور نمی‌کرد مسئله‌ای پیش بیايد که به ضرر او و حکومتش تمام شود و گرنه هیچ وقت حدود چهارصد نفر از سران شام و افراد خارجی را به این مجلس دعوت نمی‌کرد. اما اتفاقات غافل‌گیر کننده‌ای که به دنبال هم به وقوع پیوست، اساس حکومت پوشالی بنی امیه را زیر و رو کرد. (اولیایی، ۱۳۷۶: ۶۶)

خطبه حضرت زینب سلام الله علیها برای مردم کوفه:

ای اهل کوفه، ای اهل لاف زدن و پیمان گسستن و عقب کشیدن، گریه‌هاتان نیارآمد و ناله‌هاتان فروننشیند، همانا مثل شما مثل زنی است که رسته محکم خود را و اتابد شما پیمان خود را وسیله دغلی ساختید، جز لاف و خودبینی و گزاف و دروغ در شما چیزی نیست، چه بد برای خود پیش آوردید که خدا شما خشم کرد و در عذاب ابد جا گرفتید، برای پدرم گریه می‌کنید؟! آری به خدا باید گریه کنید زیرا شما را همان گریه شایسته است، پُر بگریید

و کم بخندید که چنان آلوده ننگ و گرفتار رسوایی آن ستید که هرگز نتوان آن راشست. دختر امیرالمومنین فاجعه دردناک کربلا را که با دست همان مردم بی فضیلت انجام یافته بود، بی پرده و سوزناک بیان نمود و آنها را بر انجام آن سخت نکوهش و توبیخ کرد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۴).

در اینجا به برخی از شاخصهای مدیریت بحران می پردازیم که در خطابه و سیره حضرت زینب سلام الله علیها در واقعه کربلا به وضوح نمایان بوده است.

شاخصهای مدیریت بحران حضرت زینب سلام الله علیها:

۱- شاخص خدامحوری و آخرت گرایی

زینب سلام الله علیها در خطابه خود با نام خدا و توکل شروع کرده و وعده روز حساب را با ابن زیاد و قاتلان برادرش می داد ایشان در پاسخ به ابن زیاد فرمودند: سپاس خداوندی را که ما را به وسیله پیغمبرش (ص) گرامی داشت، و ما را به خوبی از پلیدی پاکیزه گردانید، جز این نیست که شخص فاسق رسوا شود، و انسان تبهکار دروغ گوید و او ما نیستیم و الحمد لله. همچنین فرمودند: کردار خدا را نسبت به خاندانت چگونه دیدی؟ زینب فرمود: خداوند بر ایشان شهادت را مقرر فرموده بود و آنان به خوابگاههای خود رفتند. و به زودی خداوند تورا با ایشان گرد آورد و در پیشگاه او با تو محاجه خواهند کرد و از او داوری خواهند.

۲- شاخص یکپارچه سازی (ولایت مداری)

وقتی اسیران را به مجلس ابن زیاد آوردند، ابن زیاد ملعون از ایشان پرسیدند: کار خدا را چگونه دیدی؟ فرمودند: خدا شهادت بر آنها نوشت و به شهادتگاه خود رفتند و به زودی با تو محاجه خواهند نمود. پس توجه کن که شکست با کیست. در آن روز مادرت به عزایت تو بنشیند فرزند مر جان! و ادامه دادند شکر خدای را که شما را رسوا ساخت و شما را کشت و آنچه گفتید دروغ شد و شکر خدای را که ما را به پیامبرش کرامت بخشید و از هر گونه پلیدی تطهیر مان نمود و فاسق را رسوا ساخت و فاجر را تکذیب نمود و او غیر ماست. در این برخورد شخصیت، بزرگواری، شکست ناپذیری، کوچک بودن دنیا و مقام ریاست آن در دید زینب (س) متجلی است (محدث قمی، ۱۴۴۰؛ ۴۰۸). ایشان با این جملات کوبنده باز هم بر این اصل تأکید می کند که ولایت مسلمین از آن خاندان اهل بیت (ع) می باشد و یکپارچگی و سعادت مسلمین در پیروی از این خاندان است.

۳- شاخص هدایتگری

حضرت زینب علیها السلام حرکت و هدایت انسان ها را بدون امام علیه السلام سکون و هلاکت می دانست و زمام داری زیان آلود نااهلان را باعث دور ماندن توده ها از صراط مستقیم می

دید. بدین علت دفاع و حمایت از مقام امامت و ولایت را سرلوحه مسئولیت های خویش قرار داده بود و با تمام توان بعد از حادثه عاشورا به ارائه رهنمودهای شایسته و مبارزه با زورمداران و زور محوران در قالب خطایه می پرداخت. وی چون دست پرورده زهرای اطهر علیها السلام بود درس ولایت مداری را از مادر فرا گرفته بود. از یک سو در جهت معرفی و شناساندن ولایت از طریق نفی اتهامات و یادآوری حقوق فراموش شده اهل بیت تلاش کرد و از سوی دیگر سر تا پا تسلیم امامت بود چه در دوران امامت امام حسین علیه السلام و چه در دوران امام سجاد علیه السلام که حتی در چند مورد از جان امام سجاد علیه السلام دفاع کرد و تا پای جان از او حمایت نمود. (محلّاتی، ۱۳۶۸: ۵۷)

۴- شاخص هدف محوری

شاخص هدف محوری در واقعه کربلا به خونهای ریخته شده شهیدان اشاره دارد. خونی که در راه خدا ریخته می شود بی مقدمه و بی هدف نیست، هدف و پیام دارد، خونش ایثار شهید است و پیامش مربوط به بازماندگان، و آنچنان پیام آوران کربلا رسالت خود را به انجام رساندند که قلبهای خفته را بیدار و دلهای مرده را زنده ساختند و فرصت تحریف و دگرگون کردن قضایا را از دست دشمن گرفتند. حتی کوچکترین حادثه که در کربلا واقع شد در تاریخ منعکس گردید. که در رأس پیام آوران زینب (س) و امام چهارم (ع) بودند. طبیعی است چون مصلحت بود که امام چهارم (ع) از خطرات مصون ماند ریاست این کاروان بر عهده زینب (س) بود و او سازماندهی اسیران و هدف مند کردن این اسارت را بعهده داشتند (همان، ص ۵۴).

۵- شاخص شفافیت

علم و آگاهی همراه با فصاحت از ویژگی هایی است که بندرت در کسی جمع می شود ولی این خصوصیات در حضرت زینب جمع بود. (همان، ص ۵۲) ایشان با علم و بیان فصیحی که داشتند، بطور شفاف ظلم و عداوت یزید و حکومت یزیدیان را برملا ساختند و باعث آگاهی مسلمین از واقعیت کربلا گشتند.

حضرت زینب (س) رسالت داشتند که پیام خون شهیدان را برسانند و اهداف بلند عاشورا را ذکر کنند. ایشان با گفتار شفاف خود دشمن را رسوا ساختند و سعی داشتند که با توبیخ شدید مردم آنها را از کرده خود پشیمان نمایند. آنچنان سخن گفتند که تار و پود حکومت از هم گسست و کاملاً صحنه را به نفع نهضت و بر علیه تبهکاران حاکم عوض کرد. (محدث قمی، ۱۴۴۰؛ ۳۹۶)

۶- شاخص آینده نگری و واقعیت گرایی

آنچه پس از شهادت امام حسین (ع) نگذاشت خون آن حضرت از جوشش بیفتد، برنامه ای بود که اسیران اجرا کردند که پیشوای این حرکت بانوی بزرگ کربلا حضرت زینب (س)

بودند که رسالت‌های متعددی را بعهده داشتند که این امر نشان دهنده آینده نگری آن بانوی بزرگ می‌باشد. (علمداری؛ ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳) بزرگترین رسالت ایشان، رساندن خون شهیدان خصوصاً برادر بزرگوارش و افشای حقایق کربلا بود. برخی از رسالت‌های ایشان در ذیل آمده است:

- رساندن پیام خون امام (ع) و اهل بیت و اصحابش به توده‌های مردم؛
- تبیین امامت و خلافت رسول خدا (ص) و معرفی امام برای مردم؛
- معرفی چهره واقعی بنی‌امیه و ذکر جنایات آنها؛
- پیشگیری از تحریف حادثه کربلا بوسیله دشمن با بیان اهداف و انگیزه‌های آن؛
- بهره‌گیری از جوشش خون امام حسین (ع) و شهدای کربلا برای ریشه کردن بنی‌امیه؛
- محو آثار تبلیغات پنجاه ساله بنی‌امیه علیه حضرت علی (ع) و اهل بیت. (محلاتی، ۱۳۶۸: ۵۴)

آثار و نتایج اقدامات حضرت زینب سلام‌الله علیها پس از واقعه کربلا:

اگر مأموریت امام حسین علیه السلام تنها در کربلا پایان می‌یافت و برای بهره‌برداری از آن دیگر طرحی وجود نداشت، طبعاً این فداکاری‌ها در برابر قدرت و امکانات وسیع حکومتی، که از منبر و محراب گرفته تا اقتصاد و سپاه همه را در اختیار داشت، یک‌باره بی‌اثر بود. امام حسین (ع) خلیفه الله است، مردی که از روز اول به تمام جوانب کار می‌اندیشد و در پایان امر برای بهره‌برداری از آن قیام بزرگ هم بی‌نقشه نیست. (همان: ۱۹۲) از عصر عاشورا زینب تجلی می‌کند. از آن به بعد به او واگذار شده بود. رئیس قافله اوست چون یگانه مرد زین العابدین (سلام الله علیه) است که در این وقت به شدت مریض است، مجلس عزای حسین علیه السلام را برای اولین بار زینب ساخت. (مطهری، ۱۳۸۲: ۴۰۹) خطبه‌ها و سخنان اهل بیت (ع) در سینه‌های مردم جا گرفت و دل‌های آنان را تکان داد و پرده‌های گمراه کننده را بالا زد و تشخیص مردم را به کلی تغییر داد و آنان را به ارزش این قیام مقدس متوجه ساخت و مجال تحریف و تغییر چهره این واقعه تاریخی را از دست دشمن گرفت و هر چه را دشمن گرفت و نوشت و هر چه سبکی و هرزگی نشان داد، همه را تاریخ ثبت کرد. (آیتی، ۱۳۸۱: ۱۶۱) اقدامات هوشمندانه حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها دارای آثار و برکات بسیار مهمی بود که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود.

۱- **جلوگیری از قتل عام و بردگی اهل بیت:** زینب کبری با این منطق آشین و پرمعنای خود، انقلابی را آغاز کرد و اول نتیجه‌ای که گرفت این بود که خاندان نبوت را از خطر بزرگی که آنها را تهدید می‌کرد نجات داد. زیرا در هرآنی ممکن بود پسر زیاد فرمان قتل آنها را صادر کند و یا ذراری رسول را به بردگی گیرد و به بازارهای دوردست کفار بفرستد،

تافروش روند و تارو مار گردند. ولی زینب چنان ماهرانه و وثر نطق کرد که مردم کوفه را فرسنگها از حکومت بدبنیاد اولاد زیاد عقب راند. (قمی، ۱۳۸۶: ۲۵۹)

۲- پشیمانی مردم کوفه: خطبه های حضرت زینب سلام الله علیها در مجلس یزید و در جمع مردم کوفه، در اوج فصاحت و بلاغت است. زینب کبری (س) قبل از حادثه کربلا، در هیچ اجتماعی که مردان در آن حضور داشتند، سخنرازی نمی کردند و برای ایشان صحبت کردن در اجتماع نامحرمان، آسان نبود. این سخنرانی چنان مردم را منقلب کرده بود که همگی از حیرت این پیشامد دستها را بر دهان گرفته و های های می گریستند. (سید بن طاووس، ۱۳۸۱، ۱۹۵)

۳- حفظ جان امام زین العابدین علیه السلام: سؤالی که در اینجا مطرح می شود، این است که به چه علت ایشان بعد از حادثه کربلا به سخنرانی پرداختند؟ از سوی دیگر، با علم به این مسئله که حضرت سجاد از نظر علمی، از ایشان برتر بودند، پرسش دیگری پیش می آید که چرا در مجالس مهم عمومی، حضرت زینب سخنرانی و توجه انظار عمومی را به خود جلب می کردند؟ ضرورتی حکمت این گونه امتضا می کرد امام زین العابدین (ع) در طول سفر، به افشای حقایق نپردازند تا بدین شیوه، توجه مردم و امرا به قدرت سخنوری ایشان جلب نشود و جان ایشان به عنوان امام، حفظ گردد. شاید از دلایل دیگر سکوت امام سجاد (ع) این باشد که بعدها در اجتماع بیشتری، نظیر مسجد جامع اموی، بتوانند به راحتی و بدون مزاحمت به افشاگری جنایات یزید بپردازند؛ چرا که اگر امام سجاد (ع) قبلاً سخنرانی می فرمودند و کار گزاران حکومت اموی به ارزش سخنوری ایشان پی می بردند، دیگر به ایشان مجال صحبت در آن اجتماع عظیم مردمی داده نمی شد و این فرصت طلایی - که تأثیر گذاری و افشاگری آن بیشتر بود - از ایشان سلب می شد.

۴- ابراز ندامت یزید: تأثیر مثبت رسانیدن پیام خون شهیدان که رسالت آن به عهده کاروان اسیران بود، به قدری ثمر بخش گردید که سرانجام یزید علناً نسبت به آنچه در کربلا اتفاق افتاده بود اظهار ندامت کرد و در برابر افکار عمومی سعی داشت خود را تبرئه کند و گناه آن را به گردن ابن زیاد بیندازد. (اولیایی، ۱۳۷۶: ۶۷-۶۸) اسرا توانستند با بازوهای به ریسمان بسته خود و مهمتر از آن با منطق قوی و کوبنده خود وضع شام را دگرگون سازد و افکار عمومی را در اختیار بگیرند، انون حکومت دمشق برای تثبیت موقعیت متزلزل خویش و نجات از آن وضع انفجار آمیز می بایست به همان زنان و کودکان متوسل شود. برای انجام این هدف فرزند معاویه، زین العابدین علیه السلام را سخت مورد نوازش قرار داد و همواره سعی کرد تا در برابر مردم با آن حضرت ظاهر شود و در کنار آن امام باشد.

۵- برگزاری اولین مجلس سوگواری برای شهدای کربلا در منزل یزید: یزید به زنان و خاندان حسین پیشنهاد کرد که: (اگر می‌خواهید در شام نزد من بمانید، وگرنه به مدینه باز گردید). این زنان و کودکان که مأموریت داشتند تا نهضت پاک و مقدس حسین را به ثمر برسانند باید از این پیش آمد و وضع موجود هرچه بیشتر استفاده می‌کردند و حکومت شام را رسوا تر می‌ساختند و بیشتر افکار اجتماع را بیدار می‌کردند. از این نظر در پاسخ گفتند: (قبل از هرچیز ما باید برای کشتگان خود سوگواری کنیم). یزید به خوبی می‌داند که سوگواری چیزی نیست جر برشمردن جنایت‌های او و به رسوایی و فضیحت کشیدن وی، اما چون زاده معاویه در شرایط خاصی قرار گرفته بود، ناچار باید در برابر خواسته آنها تسلیم گردد از این نظر دستور داد تا منزل او را برای سوگواری آماده سازند و تمام زنان قریش را در آنجا جمع کنند. مورخان بزرگ اهل سنت نوشته اند زنان اسیر حسین (ع) از قتل گاه خود خارج شده‌اند و برای سوگواری به منزل یزید رفته اند و بیچ زنی از دودمان بنی‌ قی نماند مگر آن نزد آنان آمدند و در آنجا سه روز عزاداری کرده‌اند. اولین مجلس رسمی سوگواری سالار بهیدان توسط اسیران در همان شام و در خانه یزید برقرار شد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۳۱)

۶- جلوگیری از تحریف تاریخ: زینب کبری سلام‌الله‌علیها با کلمات ملکوتی خود حقایق تلخ عاشورا را بی پرده بیان داشت تا حکومت زاده‌ی زیاد نتواند آن را تحریف کند و اهمیت قضیه را دگرگون سازد. (همان: ۲۰۵) فداکاریهای اهل بیت (ع) مجال هرگونه اقدامی را در جهت تحریف تاریخ کربلا از یزید و یزیدیان سلب کرده بود. اسارت اهل بیت امام حسین (ع) و اقدامات آنان به سرپرستی زینب کبری (س) نه تنها مانع تحریف نهضت امام حسین (ع) در آن زمان گردید، بلکه در طول تاریخ آن را از هرگونه تحریفی حفظ کرد. به طوری که حتی برخی از متعصبان پس از گذشت سالها نتوانستند بر جنایات یزید و یزیدیان سرپوش نهند و نهایت تلاش و کوشش آنها در تبرئه‌ی یزید به این جا انجامید که بگویند: «یزید مجتهد بود و در کشتن امام حسین (ع) به خطا رفت؛ از این رو گناهی بر او نیست!» درحالی که مسأله‌ی کشتن فرزند پیامبر و کسی که رسول خدا (ص) او را سرور جوانان بهشت معرفی کرده است، محل اجتهاد و رأی و نظر نیست. (ویژه نامه سیاسی عاشورا، ۳۹۹-۴۰۰)

۷- مجازات مسببین واقعه کربلا: گفتار زینب چنان اثر عمیقی در کوفه به جای گذاشت که بالاخره توانست با دست همان مردم از کار گزاران و شرکت کنندگان در واقعه خونین کربلا به بدترین صورت انتقام بگیرد. کوفیان خفته را بیدار ساخت به طوری که خشم و غضب آن شهر را علیه عبید الله بن زیاد و یارانش برانگیخت، خشمی که دیگر آرام نشد؛

امی که همان مردم تحت لوای مختار گرد آمدند و به خاطر خون‌خواهی حسین علیه السلام دست به شورش مقدس و انسانی زدند، شورش‌ی که موج سهمگین و مرگبار آن فرزند زیاد و همه‌ی شرکت‌کنندگان در جنای کربلا را فرا گرفت و آنها را به دردناک‌ترین وجه به دست انتقام سپرد. انقلاب خونین و سهمگین که کوفه به راهبری مختار و سلیمان بن صرد علیه این دستگاه به وجود آورد، چیزی جز یک ثمره‌ی شیرین برای خطبه‌ی آتشین و گرم زینب نبوده است. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۳۱).

۸- **جلوگیری از نابودی اسلام:** خاندان اسیر امام حسین علیه السلام وظیفه بزرگ و بیاتی خویش را در به ثمر رساندن نهضت و بهره‌برداری از آن به خوبی انجام داد و توانستند نام علی علیه السلام و خاندانش را بار دیگر زنده سازند و نقشه‌های پنهانی حکومت بنی امیه را که از زمان معاویه برای محو و نابودی اسلام در سر داشتند، به خوبی نقش بر آب سازند و ماهیت آن دودمان کثیف را برای امت واجتماع آشکار سازند. (همان؛ ۲۳۲).

جدول ۱ - ماتریس دو بعدی پژوهش

فرایند مدیریت بحران					فرآیند		واقعۀ کربلا	
اقدامات بعد از واقعه کربلا			حین واقعه کربلا	قبل از واقعه کربلا	اجزا			
					هویت			
					ساختار			
نتایج			شاخص ها	اقدامات	شاخص ها	نقش		
جلوگیری از تل عام و بردگی اهل بیت			خدا محوری و آخرت گرایی	ایراد خطبه برای مردم کوفه	توکل به خدا	حضرت زینب سلام الله علیها		کشنگران
					ایمان راسخ			
پشیمانی مردم کوفه			هماهنگی و هدایتگری	ایراد خطبه در برابر یزید	حمایت از امام سجاد علیه السلام	صبر در برابر مصیبت		
حفظ جان امام زین العابدین علیه السلام			هدف محوری	خطبه در جلس ابن زیاد	حمایت و دفاع از زنان و کودکان اهل بیت			

فرایند مدیریت بحران					فرآیند		واقعۀ کربلا
اقدامات بعد از واقعه کربلا			حین واقعه کربلا	قبل از واقعه کربلا	اجزا		
					هویت		
					ساختار		
نتایج	شاخص ها	اقدامات	شاخص ها	شاخص ها		نقش	
برگزاری اولین مجلس سوگواری برای شهدای کربلا در منزل یزید	شفافیت			آموزش و پرورش (اسلامی)(زنان)	حضرت زینب سلام الله علیها	کنشگران	
جلوگیری از تحریف تاریخ							
مجازات مسببین واقعه کربلا							
جلوگیری از نابودی اسلام	آینده نگری و واقعیت گرایی						

ماتریس دو بعدی فوق در تبیین واقعه کربلا از یکسو به اجزای این واقعه از قبیل هویت (فرهنگ جهاد و شهادت، مهندسی وحی)، ساختار، نقش (احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه، روشنگری و...) و کنشگران (از کنشگران این واقعه، امام حسین علیه السلام، اولاد و اصحاب آن حضرت) می پردازد و از سوی دیگر در تبیین فرایند مدیریت بحران این واقعه از نظر زمان به اقدامات قبل، حین و بعد از واقعه اشاره شده است که با توجه به موضوع این پژوهش، از بین کنشگران به نقش حضرت زینب سلام الله علیها و اقداماتی که آن حضرت برای مدیریت واقعه عاشورا و نتایج انکار ناپذیر مدیریت بحران ایشان اشاره شده است.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

از عصر عاشورا زینب (س) تجلی می کند، از آن به بعد به او واگذار شده بود. خطبه ها و سخنان اهل بیت علیه السلام در سینه های مردم جا گرفت و دل های آنان را تکان داد و پرده های گمراه کننده را بالا زد و تشخیص مردم را به کلی تغییر داد و آنان را به ارزش این قیام مقدس متوجه ساخت و مجال تحریف و تغییر چهره این واقعه تاریخی را از دست دشمن گرفت و هر چه را دشمن گرفت و نوشت و هر چه سبکی و هرزگی نشان داد، همه را تاریخ ثبت

کرد. خطبه‌های حضرت زینب سلام الله علیها در حضور مردم کوفه، ابن زیاد و پسر معاویه، سلیس، شیوا و در اوج فصاحت و بلاغت ایراد شده و بیانگر کمال سخنوری ایشان است. از ویژگیهای بارز این خطبه‌ها، اقتباسات زیبا و فروان آنها از آیات، ضرب المثلها و تمثیلات قرآنی است که زیبایی و تأثیر آن را در اذهان مخاطبان و شنوندگان، دوچندان کرده است. ایراد این خطبه‌ها، نتایج حکمت آمیز ذیل را نیز به همراه دارد:

- سخنان حضرت زینب سلام الله علیها از شفافیت کامل برخوردار بوده و اعمال حکام ظالم وقت را بطور کامل افشا کردند.

- مانع از تحریف تاریخ گردیده و از نابودی اسلام جلوگیری نمودند.

- ایشان با بیانات خود در مسجد کوفه باعث یکپارچگی مجدد شیعیان شدند که همچنان این یکپارچگی پابرجاست.

- زمانی که حضرت زینب سلام الله علیها فرمودند: جز زیبایی ندیدم، صراحت بیانات ایشان، حقایق طاغوت زمان را آشکار ساخت و از نوعی آینده نگری برخوردار بودند تا مسیر حق را به شیعیان نشان دهند.

- سخنان بانوی کربلا، از هدف خاصی برخوردار بوده است و آن هم ولایت مداری و پیروی از امام معصوم بعد از حضرت رسول (ص) و نفی حکومت طاغوت می باشد.

مدیریت هر بحران نیازمند اقداماتی است که قبل از وقوع بحران با هدف پیشگیری و در حین وقوع بحران با هدف کاهش اثرات مخرب آن و پس از وقوع بحران با هدف بهبود وضعیت و توسعه و بازسازی صورت می پذیرد. حضرت زینب سلام الله علیها در طول آن روزهای اسارت - چه در عصر روز عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدت و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند. (خامنه ای، ۱۳۹۰، ۳۵)

این نوشتار با بیان فعالیت های حضرت زینب کبری پس از واقعه عاشورا، آثار و برکات این اقدامات را بر شمرده و با احصاء شاخص های مدیریت بحران نقش حضرت زینب سلام الله علیها را بر حوادث پس از عاشورا تبیین نماید. پیشنهاد میشود؛ محققین علاوه بر احصای اجزاء واقعه کربلا هویت، ساختار، نقش ها و اقدامات دیگر کنشگران این واقعه پرداخته و اقدامات آن حضرت را قبل و حین واقعه عاشورا تبیین نمایند.

منابع :

- قرآن کریم
- اثبات الوصیه، ص ۱۲۴ نقل از با کاروان حسینی، ج ۶، ص ۲۲۵
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۸۱)، بررسی تاریخ عاشورا، قم، انتشارات امام عصر (عج)
- اولیایی، مصطفی (۱۳۷۶)، زندگانی حضرت زینب (س)، چاپ خانه دفتر انتشارات اسلامی، قم
- بهشتی، احمد (۱۳۶۸)، زنان نامدار، چاپ اول، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم
- پورامینی، محمدامین، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، ج ۶، ص ۱۵۶
- جبل عاملی، محسن؛ اعیان الشیعه، ج ۱، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۱ ه ق
- حسینی، سید حسین، بحران چیست و چگونه تعریف می شود، فصلنامه امنیت، سال پنجم شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۵
- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۰)، ۷۲ سخن عاشورایی، به کوشش علیرضا مختارپور قهرودی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی
- رحمانی، جعفر، امام حسین (ع) و رهبری بحران از مکه تا کربلا، نشریه حکومت اسلامی، سال هفتم، شماره چهارم، ص ۴۱
- سعادت، اسفندیار، (۱۳۶۹)، تصمیم گیری در بحران، فصلنامه دانش مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، شماره ۱۱
- سید بن طاووس (۱۳۸۱)، لهوف، ترجمه فرج الله الهی، قم، انتشارات سلسله
- شیرکوند، شهرام (۱۳۸۹)، حضرت زینب (س) و مدیریت پیام رسانی عاشورا
- صادق کوهستانی، عطیه (۱۳۸۵)، زندگانی حضرت زینب (ع)، نسیم حیات
- بسی، محمد جعفر، الفتوح، ج ۵، ص ۱۴۲، با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه، ج ۵، ص ۱۰۷
- علامه مجلسی (۱۳۸۵)، سفینه البحار، ج ۱، نمازی، حسین بن علی و نمازی شاهرودی، علی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
- لمداری، شهرام؛ ماهنامه ایمن و راهبرد، شماره اول، دی ماه ۱۳۸۷
- قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۷۹)، منتهی الامال، تهران، مطبوعات حسینی، چاپ دوازدهم
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۶)، در کربلا چه گذشت، چاپ بیست و سوم، انتشارات مسجد جمکران، قم
- لهوف، ترجمه: عزیزی، عباس، ص ۲۴۵
- لهوف، ترجمه: الهی، فرج الله، صص ۱۹۲-۱۹۵
- مازور، گرهارد، بحران چیست و چه وقت بروز می کند؟ ترجمه عبدالحسین آذرنگ، کیهان فرهنگی، شماره ۳ سال پنجم، ۱۳۶۷

- حمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۷۷)، زنان مرد آفرین، موسسه انتشارات نبوی، تهران
- طهری، مرتضی (۱۳۸۲)، حماسه حسینی، چاپ چهل و هشتم، انتشارات صدرا، تهران
- مهاجرانی، عطاءالله (۱۳۷۰)، پیام آور عاشورا، تهران؛ اطلاعات
- مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵. بیروت: مؤسسه الوفاء ۱۴۰۴ ق.
- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، جلد سوم، چاپ پنجم، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸، ص ۳۳
- ویژه نامه سیاسی عاشورا، مقاله عاشورا نقش بی همتای زینب کبری
- هلن کلر، عشق به خداوند، ترجمه خرمشاهی، نشر ققنوس
- هاشمی نژاد، شهید سید عبدالکریم (۱۳۸۳)، درسی که حسین به انسانها آموخت، انتشارات آستان قدس رضوی

منابع انگلیسی:

- Geary, w, silikch " All Hazard Crisis Management Planing " logical management system , corps , 2001